

مطالعات اسلامی: تاریخ و فرهنگ، سال چهل و ششم، شماره پیاپی ۹۳،
پاییز و زمستان ۱۳۹۳، ص ۳۱-۹

تجارت برده در لوانت و تأثیر آن بر روند جنگهای صلیبی* (قرن سیزدهم میلادی / هفتم هجری)

دکتر احمد فضلی نژاد / استادیار دانشگاه شیراز^۱

چکیده

منطقه لوانت (شرق مدیترانه) در تاریخ فعالیت‌های بازرگانی دارای اهمیت ویژه‌ای بوده است. در قرن سیزدهم میلادی/هفتم هجری دو رویداد مهم در رشد و رونق فعالیت‌های بازرگانی این منطقه تأثیر نهاد که مهم‌ترین این فعالیت‌ها نیز در زمینه تجارت برده بود. نخست تحولات جنگ‌های صلیبی، به ویژه جنگ صلیبی چهارم (۱۲۰۴م) و نقش دولت‌های درگیر در آن. دوم تهاجم مغولان و تصرف سرزمین‌های وسیعی از چین تا اروپا. همزمان با تشکیل دولت‌های مغولی، به قدرت رسیدن ممالیک در مصر نیز بر رشد و گسترش این تجارت افزود و بر مناسبات دولت‌های اروپایی و صلیبی‌ها نیز تأثیر نهاد. همچنین سودآور بودن تجارت برده برای دولت-شهرهای تاجرپیشه ایتالیایی علیرغم حضور آنها در جنگ‌های صلیبی روند خرید بردگان را از حوزه دریای سیاه و انتقال آنها به حوزه مدیترانه افزایش داد و پیامدهای گسترده‌ای بر روند جنگ‌های صلیبی و مناسبات این دولت-شهرها با جهان اسلام به همراه داشت. در این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر منابع اسلامی و غربی و پژوهش‌های جدید، موضوع تجارت برده در لوانت در قرن سیزدهم میلادی/هفتم هجری به عنوان فعالیتی با پیامدهای گسترده بر دولت‌ها و جوامع این منطقه و اروپا مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌گیرد.

کلید واژه‌ها: تجارت برده، لوانت، مغولان، جنگ‌های صلیبی، ممالیک، دولت-شهرهای ایتالیایی.

*. تاریخ وصول: ۱۳۹۳/۱۰/۰۶؛ تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۹۳/۱۱/۱۲

1 . Email: afazlinejad@yahoo.com

مقدمه

لوانت^۱ واژه‌ای فرانسوی به معنی محل طلوع خورشید است. مانند واژه شرق^۲ که از Oriens لاتین به معنی محل برآمدن خورشید گرفته شده است. مردم اروپای غربی، منطقه لوانت را مترادف سرزمین‌های همجوار با سواحل مدیترانه شرقی می‌دانستند که کشورهای کنونی یونان، ترکیه، سوریه، لبنان، فلسطین و مصر را در برمی‌گیرد. این نام غربی که بر سرزمین‌های شرقی اطلاق می‌گردید، به طور تلویحی بر نوعی دیالوگ میان شرق و غرب - و البته اسلام و مسیحیت - نیز دلالت داشت، چنان که ادوارد گیبون مدیترانه شرقی را ساحلی می‌دانست که از دیرباز درگیر منازعات فرهنگی جهانی بوده است (Mansel, 1).

پژوهش حاضر به عوامل اثرگذار بر گسترش تجارت برده در لوانت در دهه‌های آخر جنگ‌های صلیبی می‌پردازد. هجوم مغولان به سرزمین‌های وسیعی از چین تا اروپا و حاکمیت خاندان‌های مغولی بر این سرزمین‌ها موجب شکل‌گیری مناسبات سیاسی و تجاری گسترده و تغییر و تحولات در روابط دولت‌ها و اتحادیه‌های منطقه‌ای گردید. این تحولات همزمان با دوران جنگ‌های صلیبی و مواجهات دنیای اسلام با جهان مسیحیت بود. معادلات اقتصادی و سیاسی عصر جنگ‌های صلیبی و حاکمیت مغولان بر دشت‌های آسیای مرکزی و روسیه همراه با مناسبات بازرگانی دولت‌های پیرامونی مدیترانه، شرایطی فراهم ساخت که در گسترش تجارت برده به نحو بی‌سابقه‌ای اثر گذار بود. بنابراین برای تبیین مسأله پژوهش دو سؤال مهم مورد بررسی قرار می‌گیرند:

۱. نقش عاملان و کارگزاران تجارت برده در لوانت در دوره جنگ‌های صلیبی چگونه ارزیابی می‌شود؟

۲. گسترش تجارت برده در لوانت چه تأثیری بر روند جنگ‌های صلیبی و کشورهای حوزه مدیترانه داشت؟

در مقاله حاضر نقش مغولان، ممالیک و دولت - شهرهای ایتالیایی در شرایط عصر جنگ‌های صلیبی به عنوان کارگزاران اصلی در تجارت برده و گسترش بین‌المللی آن بررسی می‌شود.

1. Levant

2. Orient

پس از بررسی میزان نقش هرکدام از کارگزاران و عاملان گسترش تجارت برده، تأثیرات و پیامدهای آن بر مناسبات دولت‌ها و جوامع درگیر در جنگ‌های صلیبی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

در مورد تجارت برده در قرون وسطا، پژوهش‌های مورخان غربی به طور عمده در ارتباط با تجارت شرق و غرب در این دوره و همچنین در کنار تحولات عصر جنگ‌های صلیبی بوده است. ضمن این که در تحقیقات مربوط به خرید و فروش بردگان، بیشتر به دوره اوایل مدرن و انتقال سیاهان افریقایی به قاره امریکا توجه کرده‌اند. با این حال به بعضی پژوهش‌های صورت گرفته در مورد موضوع حاضر اشاره می‌شود:

دِ لاپونت^۱ و استایلس^۲ در *دانشنامه‌ی تمدن اسلامی در قرون وسطا* (۲۰۰۶) در نوشته مختصری به تجارت برده در شرق و غرب جهان اسلام پرداخته‌اند. هلت^۳ در مدخل مملوکان در *دایره‌المعارف اسلام* (۱۹۹۱، ج ۶)، به روند شکل‌گیری دولت ممالیک و نحوه خرید و فروش غلامان از دشت قبیچاق تا مصر و مدیترانه پرداخته است. در همین اثر، برونشویگ^۴ در مدخل عبَد، سیری تاریخی از تجارت برده در جهان اسلام و در ارتباط با اروپا فراهم آورده است (۱۹۹۱، ج ۱). همچنین بعضی از پژوهش‌ها در مورد تاریخ امپراتوری مغولان، از جمله اثر پروادین^۵ (۱۹۶۷) موضوع تجارت برده در قلمرو تحت حاکمیت آنها را مورد توجه قرار داده‌اند. از مهم‌ترین تألیفات در این حوزه، کتاب سیوسیلتن^۶ (۲۰۱۲) است که به نقش مغول‌ها در تجارت دریای سیاه طی قرن‌های سیزدهم و چهاردهم میلادی اختصاص دارد و اطلاعاتی در مورد تجارت برده و روابط بازرگانی دولت اردوی زرین با دولت‌های دیگر فراهم آورده است.

پژوهش حاضر در صدد آن است تا موضوع هجوم مغولان، جنگ‌های صلیبی و تجارت در لوانت را با تجارت برده مورد ارزیابی قرار دهد. بعضی از تحقیقات معاصر حاوی ترجمه متن

-
1. De Lapuente
 2. Stiles
 3. Holt
 4. Brunschvig
 5. Prawdin
 6. Ciociltan

اصلی قراردادهای سیاسی یا گزارش‌های تاجران و کارگزاران مختلف می‌باشند که از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند.

تجارت برده در لوانت در قرون وسطا تا قرن سیزدهم میلادی/ هفتم هجری

در نیمه اول قرون وسطا (۱۰۰۰-۵۰۰م) حاکمیت مسلمانان در بخش‌های شرقی، جنوبی و غربی مدیترانه تثبیت گردید و با وجود جنگ‌ها و نبردهای دریایی میان دولت‌های مسلمان و مسیحی در این دوره، آزادی دریانوردی و تجارت ماوراء بحار ادامه یافت. در سال ۲۱۲ق/۸۲۷م تأسیس امارت‌های اسلامی سیسیل و کُرت دوره جدیدی در تجارت دریایی مسیحیان- مسلمانان آغاز نمود. مدیترانه اسلامی روابط گسترده بازرگانی با اروپای مسیحی ایجاد کرد و تاجرانی با ملیت‌ها و مذاهب مختلف به مبادله انواع کالا میان آنها پرداختند (Khalileh, A- 2006, 819). در قرن چهارم هجری/دهم میلادی، انتشار رساله کتاب الاکریت السفون و النزاع بین اهلها از محمد بن عمر الکنانی الاندلسی الاسکندرانی که شامل قوانین و حقوق دریانوردی و تجارت و روابط میان تاجران و خدمه کشتی‌ها و قراردادهای بازرگانی بود، اهمیت تجارت ماوراء بحار میان مسلمانان و مسیحیان را نشان می‌دهد (Khalileh, B- 2006, 20).

در سال ۱۰۹۵م جنگ‌های صلیبی با انگیزه‌های مذهبی، اقتصادی و اجتماعی پس از فرمان پاپ اوربان دوم (۱۰۹۹-۱۰۸۸م) در کلرمونت فرانسه برای فتح بیت المقدس آغاز گردید و با خروج صلیبی‌ها در ۱۲۹۵م/۶۹۵ق از سرزمین‌های اسلامی پایان یافت. نخستین جنگ صلیبی (۱۰۹۹-۱۰۹۶م) برای پاپ و کلیسای کاتولیک موفقیت‌آمیز بود. این جنگ به فتح بیت المقدس و تأسیس پادشاهی اورشلیم و تصرف ایالات اِدسا و طرابلس منجر گردید. تا سال ۱۱۰۹م/۵۰۳ق صلیبی‌ها در این مناطق استقرار یافته و مهاجرنشین‌هایی تأسیس نمودند که گاه به عنوان نمونه‌های اولیه استعمارگری اروپای غربی شناخته شده است. گیبرت اهل نورژان در حدود ۱۱۰۸م این ماندگاه‌های صلیبی‌ها در لوانت را تحت عنوان «کلنی‌های جدید قلمرو مقدس مسیحی» توصیف نمود (Philips, 111-112).

پس از حاکمیت صلیبی‌ها بر لوانت، فعالیت گسترده تاجران دولت- شهرهای ایتالیایی موجب شد لوانت با دو سیستم بزرگ و درهم تنیده فرامنطقه‌ای پیوند یابد. یکی از این

سیستم‌ها اروپای غربی، بیزانس و مصر را در یک مثلث شبکه‌ای مدیترانه‌ای مرتبط می‌ساخت و دیگری از اروپا تا لوانت و شرق دور به داخل آسیای مرکزی امتداد می‌یافت. بدین ترتیب الحاق بنادر بزرگ حکومت‌های صلیبی در شبکه‌های لوانت، مدیترانه و آسیای مرکزی موجب افزایش حجم مبادلات بازرگانی و دریایی گردید (Jacoby, 2/374-375).

تا پیش از جنگ‌های صلیبی مبداء ورود بردگان به حوزه مدیترانه عمدتاً آفریقا بود. طی جنگ‌های صلیبی روند تجارت برده از مناطق داخلی آفریقا ادامه یافت و دولت فاطمی مصر در این زمینه نقش زیادی داشت. اسامه بن منقذ در شرح سفر خود به مصر در سال ۱۱۴۴/ق ۵۳۹م به افواج سیاه یا *السودان* که نیروهای ویژه‌ی آفریقایی الحافظ خلیفه‌ی فاطمی بودند، اشاره می‌کند (Ibn Munqidh, 57).

پس از فاطمیان دولت ایوبی به دلیل ادامه نبرد با صلیبی‌ها و شورش‌ها و ناامنی‌های داخلی تصمیم به ورود و استخدام بیشتر بردگان گرفت. همچنین تهاجم مغولان به روسیه و دشت قیچاق زمینه خرید گسترده بردگان را فراهم آورده بود. بنا به قول مورخان عرب نخستین سلطان ایوبی که درخواست تعداد زیادی از بردگان دشت قیچاق را نمود و آنها را در ارتش خود مقام و منزلت داد، الملك الصالح نجم‌الدین ایوب (حک. ۴۷-۶۳۷/ق ۹-۱۲۴۰م) بود (نویری، ۴۱۷/۲۹؛ قلقشندی، ۴۵۸/۴). او با تأسیس واحد هزار نفری از این بردگان که به *مملوکان بحریه* معروف بودند، گروهی وفادار به خود تشکیل داد که نقش اساسی در نبرد المنصوره در سال ۶۴۷/ق ۱۲۵۰م و پیروزی بر صلیبی‌ها و نجات مصر از تصرف آنها ایفا کردند.

کارگزاران تجارت برده در لوانت در قرن هفتم هجری/سیزدهم میلادی

۱- نقش مغولان روسیه در تجارت برده

خرید و فروش اسیران جنگی و به بردگی کشیدن آنها، از مغولستان تا آسیای مرکزی، سابقه‌ای طولانی داشت. در *تاریخ سَرّی*، شواهدی از رواج برده‌داری در میان مغولان و خاندان چنگیزی وجود دارد (Rachewiltz, 1/108, 134, 166, 186-187, 203, 242). پس از هجوم مغولان به سرزمین‌های دیگر و استقرار در اراضی دشت قیچاق این گرایش به تجارتی گسترده با دولت‌های دیگر تبدیل گردید.

تهاجم مغولان به روسیه و ایران که هرکدام طی دو مرحله صورت گرفت و به استقرار دولت‌های مغولی - اردوی زرین و ایلخانان - در قرن هفتم هجری/سیزدهم میلادی انجامید، موجب تغییرات گسترده‌ی سیاسی و اقتصادی در سراسر آسیای مرکزی و غربی گردید و به انتقال راه تجاری خشکی منجر شد که مدیترانه را به آسیای مرکزی پیوند می‌داد. مغولان با تسلط بر قفقاز و آلان و کشتار قیجاقی‌ها به غارت اموال و اسارت و بردگی زنان آنها دست زدند (ابوالفداء، ۳۹، ۴۳/۹). در مرحله‌ی دوم هجوم مغولان به روسیه، باتو پسر جوچی و لشکریانش از روسیه تا شرق اروپا را درنوردیدند و شهرهای پر جمعیت و پر ثروت کی‌یف و ریازان را با خاک یکسان کردند. باتو پس از فتوحات و کشتار زیاد، در قفقاز و اراضی حاصلخیز آن استقرار یافت و شهر سرای در کنار رود ولگا را پایتخت خود نمود. از آن پس شیوه عمل مغولان در روسیه تغییر یافت و سیاست گسترش تجارت با مدیترانه و اروپا هدف مهم حاکمان اردوی زرین گردید. از سوی دیگر، شهر پر رونق و بازرگانی نووگورود در شمال غربی روسیه هم به دریای بالتیک در شمال و هم از طریق راه‌های آبی به رودخانه ولگا متصل بود و همچنین از طریق رود دنپیر راهی به دریای سیاه داشت. بدین ترتیب حاکمان اردوی زرین بر همه راه‌های بازرگانی آسیای مرکزی، دریای بالتیک و دریای سیاه مسلط گردیدند و آن را به راه‌ها و مراکز بازرگانی لوانت متصل کردند. اهمیت این مسأله از آنجاست که یکی از بازارهای مهم برده فروشی، در حوزه میان نووگورود و ولگای مرکزی قرار داشت که بدین ترتیب راه انتقال آنها به مناطق جنوبی و لوانت فراهم گردید (Korpela, 103).

شبه جزیره کریمه در شمال دریای سیاه، قرارگاه تاجران مختلف و محل انتقال انواع کالا از جمله بردگان دشت قیجاق به مدیترانه بود. شهر آزوف^۱ یکی از بنادر مهم آن، اقامتگاه تاجران کشورهای مختلف و یکی از مراکز مهم تجاری به شمار می‌رفت (ابن بطوطه، ۲۱۰-۲۰۷). همچنین بندر کافا^۲ که از سوی حاکمان اردوی زرین به جنوایی‌ها داده شد، به یکی از مهم‌ترین مراکز انتقال برده در حوزه دریای سیاه تبدیل گردید. شهر تجاری دیگر سوداک یا سولدایا^۳ در جنوب شبه جزیره کریمه بود. روبروک از داد و ستد این شهر با سرزمین‌های شمالی و همچنین ورود و خروج اقلام متنوع تجاری شرق و غرب به آنجا سخن می‌گوید (Rubruck, 44-).

1. Azov
2. Caffa
3. Soldaia

45). بدین ترتیب، با توجه به این که خان‌های اردوی زرین بر قفقاز شمالی و تمام سواحل شرقی و شمالی دریای سیاه و شبه جزیره کریمه تسلط داشتند، دولت‌های حاکم در لوانت برای استمرار انتقال بردگان اهمیت زیادی به حفظ ارتباط خود با آن دولت می‌دادند.

فقر عمومی جمعیت دشت قبیچاق که به ویژه پس از تهاجم مغولان افزایش یافت، انگیزه دیگری برای فروش کودکان توسط حاکمان مغولی گردید. ضمن این که عدم توانایی خانواده‌ها در پرداخت مالیات به مغولان، بازار فروش کودکان را رونق بیشتری داد. به هر حال تجارت برده برای حاکمان اردوی زرین یک منبع عمده درآمد محسوب می‌شد و آنها را در برابر اعضای دیگر خاندان چنگیزی به ویژه ایلخانان در ایران، تقویت می‌کرد (Ciociltan, 165).

۲- نقش دولت ممالیک در واردات برده به لوانت

مهم‌ترین عامل رشد و گسترش تجارت برده در قلمرو اردوی زرین، تقاضای فزاینده از سوی دولت ممالیک در مصر بود که برای مقابله با ایلخانان مغول در ایران و دولت‌های صلیبی کاملاً متکی به بردگان وارد شده از دشت قبیچاق و مناطق دیگر تحت قلمرو اردوی زرین بودند.

دولت ممالیک در سال ۶۴۸ق/ ۱۲۵۰م پس از ایوبیان در مصر به قدرت رسید. مملوکان به ندرت دولت خود را دولت ممالیک- بردگان- می‌خواندند. نام رسمی این دولت دولت /ترکیه بود. آنها از ترک‌های کومان بودند که از دشت قبیچاق- قلمروی بین استپ‌های اروپای شرقی و دریای خزر- به عنوان برده به بنادر دریای سیاه و از آنجا به مصر فروخته شده بودند (کورتا^۴، ۲۰۰۸: ۳۸۱-۳۷۹). بنابراین ساختار دولت ممالیک بر مبنای ارتشی از مملوکان تربیت شده بود که صرفاً به سلطان- که او نیز از خود آنها بود- وفادار بودند. از جمله سلاطین معروف این دوره الملک الظاهر بیبرس اول البندقداری، سلطان مملوک مصر و سوریه (حک. ۶۷۶-۶۵۹ق/ ۱۲۷۷-۱۲۶۰م) یک ترک قبیچاقی بود که در کودکی به عنوان برده به الصالح، سلطان ایوبی، فروخته شده و در واحد نظامی شخصی سلطان موسوم به «ممالیک بحریه» تعلیم نظامی دید. بیبرس سازمان‌دهنده ارتش مملوکان بود. در زمان او نیروی نظامی ممالیک به واسطه خرید تعداد فراوان بردگان توسعه زیادی یافت. او با ایجاد «الممالیک السلطانیه» که هسته ارتش ممالیک بودند، بر وابستگی نظامیان به سلطان افزود (Pahlitzsch, 1/156-157). بعدها

غازان، حاکم ایلخانی ایران، در لشکرکشی به دمشق اهالی شهر را مورد خطاب قرار داده و به شیوه‌ای تحقیرآمیز، پدر سلطان مصر را برده خریداری شده خواند (همدانی، ۱۲۸).

یکی از دلایل افزایش پر شتاب و مستمر روند تجارت برده از قلمرو مغولان دشت قبیچاق به مصر، ساختار سیاسی و نظامی دولت مملوکان و به اصطلاح «سیستم یک نسلی» این دولت بود. بر این اساس، بردگانی که به خدمت نظامی درآمده و از سلسله مراتب هرم قدرت بالا رفته بودند، نمی‌توانستند پسران خود را بر جای خود بگذارند و می‌بایست برای حفظ قدرت نظامی دولت ممالیک، به طور مداوم بردگان جوان‌تر از دشت قبیچاق خریداری شوند. در واقع جامعه مملوک یک جامعه در حال نو شدن دائمی بود که به وسیله ورود مستمر بردگان جوان همواره ذخیره‌سازی می‌شد. البته تعداد زیادی از فرزندان بردگان پیشین معروف به «اولادالناس» در واحدهای فرعی ارتش مملوکان خدمت می‌کردند. ایده‌ای که در پشت این اصل قرار داشت، معتقد بود که فرزندان بردگان سابق همان ویژگی‌ها و کیفیات نظامی پدرانشان را ندارند و فاقد توانمندی‌های آنها هستند (Amitai, 3/391-392). در واقع این «سیستم یک نسلی» موجب وابستگی بردگان به سلطان و مربیان نظامی آنها می‌گردید. بردگان خریداری شده در سربازخانه‌های مصر علاوه بر تعلیم نظامی یا «فنون الحرب» احکام دین می‌آموختند و این یکی از اهداف مهم مراکز آموزشی مملوکان بود (مقریزی، ۱۹۳/۲).

به دلیل روند دائمی خرید و ورود بردگان به مصر و در واقع «سیستم یک نسلی» جامعه ممالیک، نقش و اهمیت تاجران برده افزایش یافته و جایگاه معتبری به دست آوردند. تاجران برده در کنار سایر بازرگانان در شهرهای قاهره و اسکندریه دارای قدرت اجتماعی بالا و موقعیت سیاسی مهمی گردیدند (ابن بطوطه، ۱۳). در دولت ممالیک مقام «معلم تجار الممالیک» به افرادی داده شده بود که وظیفه آنها نظارت بر تاجران برده بود که برای سلطان کار می‌کردند (Lapidus, 123-127).

یکی دیگر از دلایل افزایش تقاضای برده از سوی دولت ممالیک، استقرار ایلخانان در ایران و حاکمیت آنها بر بغداد و بین‌النهرین بود. اختلافات ایلخانان با اردوی زرین که عمدتاً بر سر ادعاهای ارضی خاندان جوچی بر قفقاز و آذربایجان بود (وصاف، ۵۱/۱-۵۰) و دشمنی با ممالیک مصر و شام که اساس سیاست خارجی ایلخانان را تشکیل می‌داد، موجب اتحاد دو محور سرای- قاهره علیه تبریز گردید که تا پایان دولت ایلخانان کمابیش ادامه یافت. محور سرای- قاهره دارای دو هدف مشترک بود: یکی نظامی، که دفاع و مقابله با ایلخانان را شامل

می‌شد و دیگری بازرگانی، به ویژه صادرات برده از اردوی زرین به مصر. اولویت قاهره در ایجاد روابط با سرای خرید بردگان بود. به ویژه آن که پس از لشکرکشی ایلخانان در سوریه قابلیت‌های نظامی سلطان مصر به طور قابل ملاحظه‌ای کاهش یافته بود (Ciociltan, 91-92). اتحاد ممالیک با اردوی زرین علیه ایلخانان در زمان الملک الظاهر بیبرس شکل گرفت. در سال ۱۲۶۲/ق ۶۶۱م این دو دولت ضمن ارسال سفیران و هدایا خواستار اتحاد یکدیگر علیه «هلاکوی کافر» گردیدند (مقریزی، ۹۷/۱-۴۹۵).

مهم‌ترین مشکل دولت ممالیک در تجارت برده این بود که تقریباً هیچ اختیاری بر مسیرهای اصلی سرزمین‌های مبداء انتقال بردگان نداشت. بنابراین آن دولت کاملاً وابسته به عوامل خارجی هم در دریا و هم در خشکی بود و به همین دلیل در جهت یافتن راه‌های دسترسی به تجارت برده، تلاش فراوان می‌کرد. راه اصلی دریایی از طریق بسفر و داردانل بود که به طور کامل در اختیار امپراتوری بیزانس قرار داشت. بیزانسی‌ها مانع جریان عادی ارسال بردگان به دولت ممالیک نشدند و با ایفای نقش دوگانه، سعی در حفظ روابط خود با هر سه دولت - اردوی زرین، ایلخانان و ممالیک - داشتند. در قرارداد میخائیل هشتم پائولوگوس امپراتور بیزانس و سلطان قلاوون در سال ۱۲۸۱/ق ۶۸۰م، امپراتور متعهد شد که انتقال بردگان پسر و دختر به شرطی که هیچ مسیحی در میان آنها نباشد، در امنیت کامل صورت گیرد (ابن الفرات، ۲۳۰-۲۲۹). سلطان قلاوون در سال ۱۲۸۵/ق ۶۸۴م قرارداد دیگری شبیه این با لئون پادشاه ارمنستان بست که در آن نیز اصرار می‌ورزید که پادشاه لئون نباید جلوی هرگونه ورود بردگان، اعم از پسران و دختران، اسب‌ها و قاطرها را به قلمرو سلطان بگیرد و تأکید نمود که از ورود بردگان از هر ملیتی نباید جلوگیری کرد (Holt, 1995, 102). علاوه بر راه دریایی، دو راه خشکی نیز بود که یکی از آناتولی شرقی می‌گذشت و دیگری از دل امپراتوری ایلخانان که البته هر دو به واسطه حاکمیت ایلخانان، برای دولت ممالیک غیر قابل استفاده بود.

ممالیک در سال ۱۲۹۰/ق ۶۹۱م عکا آخرین پایگاه مهم تحت سلطه صلیبی‌ها را در لوانت تحت اختیار خود در آوردند. این دستاورد موجب تثبیت برتری ممالیک در منطقه گردید و چون صلیبی‌ها در واقع «سربازان تجارت دور دست» نیز بودند، این رویداد تغییر و تحول زیادی در ساختار تجارت آسیایی تا لوانت ایجاد نمود و بدین ترتیب بسیاری از اروپایی‌های مسیحی که تجارت در مدیترانه را با دشواری همراه می‌دیدند، در پی جبران آن به دریای سیاه روی آوردند (Ciociltan, 34). این موضوع، افزایش حجم انتقال بردگان از حوزه دریای سیاه به

مناطق دیگر از جمله لوانت را به همراه داشت.

۳- نقش دولت- شهرهای ایتالیایی در داد و ستد بردگان

در قرون وسطا دولت- شهرهای ایتالیایی به ویژه ونیز و جنوا از امتیازات فراوانی در تجارت لوانت برخوردار بودند. طی جنگ‌های صلیبی نقش و اهمیت دولت- شهرهای ایتالیایی ارزش بیشتری یافت. اهمیت نقش آنها از دو جهت بود:

نخست: صلیبی‌ها از همان ابتدا وابسته به قدرت دریایی بودند. در جنگ اول صلیبی پاپ اوربان دوم (۱۰۹۹-۱۰۸۸م) شخصاً از جنوایی‌ها درخواست کرد تا ناوگانی برای صلیبی‌ها فراهم کنند. ناوگان جنوایی‌ها به همراه کشتی‌های انگلیسی و بیزانسی در پیروزی صلیبی‌ها سهم انکار ناپذیری داشت. لشکرکشی فردریک بارباروسا (۱۱۹۰-۱۱۲۲م) در جنگ سوم صلیبی آخرین تلاش برای گشودن راه از طریق خشکی بود و پس از جنگ سوم صلیبی، تنها راه به سوی لوانت و سرزمین مقدس از طریق دریا بود و حتی حمل اسب‌ها نیاز به تدابیر و تدارکات ویژه داشت. بنابراین پیامد مهم این وابستگی به قدرت دریایی آن بود که دولت- شهرهای ایتالیایی امتیازات ویژه‌ای به دست آوردند. نکته مهم این است که جهان اسلام به دلیل شرایط جغرافیایی و عدم امکان فراهم ساختن چوب لازم برای ساخت کشتی‌های بزرگ، از نیروی دریایی قدرتمندی برخوردار نبود. ابن خلدون نیز به ناتوانی نیروی دریایی مسلمانان در برابر اروپایی‌ها در جنگ‌های صلیبی اذعان دارد (ابن خلدون، ۳۵۳/۴).

دوم: مناسبات دولت- شهرهای ایتالیایی با جهان اسلام در مقایسه با سایر کشورها و ملت‌های جهان مسیحیت، دوستانه و از تنش کمتری برخوردار بود. روابط آنها با مغولان روسیه و ایران، بیزانس، ارمنستان و ممالیک که مهم‌ترین دولت‌های درگیر در تجارت با لوانت به ویژه تجارت برده بودند، بر اساس منافع اقتصادی و بازرگانی آنها استوار بود.

طی دوران جنگ‌های صلیبی، منطقه لوانت در واقع پس‌کرانه^۵ ونیزی‌ها به شمار می‌آمد. تعداد زیادی از ونیزی‌ها به ویژه خانواده‌های بازرگانان ونیزی برای اقامت دائم به لوانت رفته و تجارتخانه‌های خود را در آن منطقه تأسیس کردند. ابن‌العبری تعداد ونیزی‌های ساکن مناطق تجاری بیزانس را در سال ۱۱۷۱م حدود ۲۰۰۰۰ نفر برآورد می‌کند که ۱۰۰۰۰ نفر آنها در قسطنطنیه بودند (ابن‌العبری، ۳۹۶).

ونیزی‌ها طی نخستین جنگ صلیبی که شور و اشتیاق مذهبی سراسر اروپا را فرا گرفته بود، واکنش عاقلانه‌تر و از سر منفعت‌طلبی اقتصادی نسبت به این جنگ‌ها نشان دادند. بنابراین حکومت ونیز تا زمان انتشار اخبار فتح بیت‌المقدس منتظر ماند و پس از آن یک ناوگان به همراه نیروهای کمکی اعزام کرد. آنها فتح بیت‌المقدس را سرآغاز حاکمیت بازرگانی ونیزی بر کل تجارت شرق قلمداد می‌کردند. از این جهت پیروزی صلیبی‌ها مورد استقبال و اشتیاق آنها قرار گرفت (Roscoe Thayer, 46-47).

سیاست بازرگانی ونیزی‌ها در مورد تجارت پرسود برده در لوانت، در دوره جنگ‌های صلیبی همچنان ادامه یافت و در موارد متعددی افزایش پیدا کرد. این درحالی بود که ونیزی‌ها در جبهه صلیبی‌ها قرار داشته و از پیامدهای فاجعه‌بار تقویت دشمنان صلیبی‌ها از جمله ایوبیان و به ویژه ممالیک که ساختار سیاسی و نظامی آن دولت بر مبنای ورود بردگان جوان به قلمرو آنها بود، آگاه بودند. ضمن این که آنها به واسطه این تجارت پر سود، موانع مذهبی را کنار زده و حتی از خرید و فروش بندگان مسیحی در سرزمین‌های اروپایی و حوزه مدیترانه ابایی نداشتند (Stiles, 758).

جنگ چهارم صلیبی (۱۲۰۴-۱۱۹۹م) نقطه اوج رویکرد سیاسی و تجارت‌پیشگی ونیزی‌ها بود. این جنگ که به جنگ صلیبی‌ها علیه مسیحی‌ها معروف است (رانسیمان، ۱۳۱/۳)، بدون کمک و همراهی ناوگان دریایی ونیزی‌ها امکان پیروزی نداشت، زیرا با توجه به ضعف امپراتوری بیزانس استفاده از راه خشکی بالکان و آناتولی غیر ممکن بود. بنابراین صلیبی‌ها در سال ۱۲۰۱م/۵۹۸ق با ونیزی‌ها وارد مذاکره شدند که نتیجه آن انعقاد قراردادی برای انتقال نیروها، تدارکات و حمل ویژه اسب‌ها از سوی ونیزی‌ها در ازای دریافت امتیازاتی از جمله بخشی از فتوحات صلیبی‌ها بود. اما نکته مهم و اساسی در این بود که درست همان زمان که دولت ونیز برای انتقال صلیبی‌ها در حمله به مصر با نمایندگان آنها مشغول چانه‌زنی بود، سفیران ونیز در قاهره با والی سلطان طرح قراردادی تجاری می‌ریختند که در سال ۱۲۰۲م/۵۹۹ق به امضاء رسید و بر اساس آن اطمینان داده بود که ونیز به لشکرکشی علیه مصر هرگز روی موافقت نشان نخواهد داد (همو، ۱۳۹/۳). این جنگ که به جای اقدام علیه مسلمانان، به فتح زاراء، بندر تجاری دریای آدریاتیک و سپس فتح قسطنطنیه و ایجاد یک دولت لاتینی در

کنار بسفر انجامید، از سوی مورخان نتیجه فریبکاری ونیزی‌ها و انحراف نیروهای صلیبی به وسیله آنها قلمداد شده است (گروسه، ۳۰۲). شرح غارتگری و قتل‌عام وحشیانه نیروهای صلیبی در قسطنطنیه را ابن اثیر به روشنی روایت کرده است (ابن اثیر، ۱۲/۹۲-۱۹۰). از مهم‌ترین اراضی لوانت که ونیزی‌ها از این جنگ غارتگرانه به دست آوردند، جزیره کرت در دریای اژه بود که در آن زمان در حدود ۵۰۰ تا ۶۰۰ هزار نفر جمعیت داشت. این جزیره که بر سر راه مصر و سوریه قرار داشت، توقف‌گاهی عالی برای تاجران ونیزی بود و نقش مهمی در انتقال بردگان ایفا می‌کرد (Miller, 177).

در اختیار گرفتن جزیره کرت توسط ونیزی‌ها، به معنای عقب راندن جنوایی‌ها، رقیب دیرینه آنها از تجارت دریایی منطقه لوانت بود. به عبارتی ونیزی‌ها تا نیمه قرن سیزدهم/هفتم بر مدیترانه شرقی حاکمیت راندند و دریای سیاه به یک «دریاچه ونیزی» تبدیل گردید (Prawdin, 341). با این حال جنوایی‌ها توانستند در نیمه دوم قرن سیزدهم - اواخر دوره جنگ‌های صلیبی - بر بازارهای دریای سیاه و بنادر کریمه مسلط شوند و کلنی‌های جنوایی در شهرهای ساحلی تحت قلمرو اردوی زرین و بنادر و مراکز تجاری بیژانس استقرار یابند. قرارداد مشهور «نیمفه»^۷ بین امپراتور میخائیل هشتم و جمهوری جنوا در ۱۲۶۱م/۶۶۰ق، موقعیت آن جمهوری را در لوانت تقویت کرد. بدین ترتیب جنوایی‌ها نقش فعال و هوشمندانه‌ای در روابط تجاری با دولت‌های مغولی اردوی زرین و ایلخانان ایفا کردند و در همان حال سفیران جنوایی در این دوره مرتب به دربار ممالیک آمد و شد داشتند. جنوایی‌ها که ونیزی‌ها را از کرانه‌های دریای سیاه رانده بودند، توانستند نبض تجارت آسیای مرکزی را در انحصار خود درآورده و معامله پر سود برده را میان ممالیک مصر و دشت‌های روسیه در اختیار خویش آورند (رانسیمان، ۴۳۱/۳).

تأثیر تجارت برده بر جوامع درگیر جنگ‌های صلیبی در حوزه مدیترانه و لوانت

۱- تأثیر بر مصر مملوکان: دولت و جامعه ممالیک مصر از جهات مختلف تحت تأثیر این تجارت پر حجم و سودآور قرار گرفت. بردگان دشت قبیچاق بخشی از میراث سرزمین اصلی و موطن خود را به جامعه مصر انتقال دادند و با خود داستان‌هایی از وطن اولیه آوردند که در

بعضی از منابع دوره ممالیک بازتاب یافته‌اند. ابن تغری بردی ضمن شرح حکومت الملک الظاهر بیبرس بر اساس روایات مربوط به چگونگی به بردگی کشیده شدن او و داستان سفر بردگی وی از دشت قبیچاق تا مصر، گزارشی ارزشمند از وضعیت کومان‌ها در دشت قبیچاق و انتقال آنها به مصر ارائه می‌دهد (ابن تغری بردی، ۷/ ۹۸-۹۴).

یکی از تأثیرات اجتماعی تجارت برده بر مصر، ورود نژادهای مختلف بردگان و شکل‌گیری جامعه چند نژادی در میان آنهاست. دو نژاد غالب بردگان، ترک و چرکس بودند. طی یک تحول مهم در روند تجارت و خرید برده از دشت قبیچاق، ترکیب نژادی سلطنت ممالیک نیز دچار دگرگونی شد. این تحول از آنجا آغاز شد که بر اثر حجم فراوان خرید بردگان از دشت قبیچاق، این منطقه با کاهش جمعیت مواجه گردید. به ویژه آنکه «سیستم یک نسلی» جامعه ممالیک ایجاب می‌کرد که همواره بردگان نوجوان اعم از دختر و پسر که هنوز به سن باروری نرسیده بودند، خریداری شوند و این امر به کاهش شدید جمعیت دشت قبیچاق منجر شد. البته عامل دیگر، یعنی اسلام آوردن تعداد زیادی از آنها که در نتیجه طبق قوانین اسلامی خرید و فروش آنها ممنوع می‌شد، در کاهش تجارت برده از این منطقه مؤثر بود (Irwin, 248). بنابراین دولت ممالیک راه حل را در جایگزینی بازار خرید بردگان دید. از آن پس خرید بردگان چرکس به جای قبیچاق‌ها آغاز شد و سیل ورود آنها به مصر موجب تحولات اجتماعی، سیاسی و نظامی در قلمرو ممالیک گردید. المنصور قلاوون (حک. ۶۷۸ق/ ۱۲۷۹م- ۶۸۹ق) با استخدام چرکس‌ها، واحد نظامی مملوکان چرکسی معروف به بُرجیه - برگرفته از مقرّ آن در برج‌های قاهره - را تأسیس کرد که نخستین نشانه از تهدید مملوکان قبیچاقی و رقابت و درگیری در ارتش ممالیک به شمار می‌آید (Holt, 1991, 6/322).

بدین ترتیب جامعه‌ای چند نژادی شکل گرفت که در آن ازدواج بردگان تحت قوانین و قواعدی انجام می‌شد. بردگان مرد با دختران برده هم‌نژاد خود یا دختران مملوکان دیگر ازدواج می‌کردند. ازدواج میان امیران مملوک و دختران مصری، به ویژه دختران مقامات بالا یا تاجران و علما، بسیار نادر بود. این مسأله خود موجب افزایش تجارت برده و ورود تعداد فراوانی از دختران برده از سرزمین‌های دیگر شده بود (Korpela, 319). ازدواج درون‌گروهی بردگان از یک سو و زبان ترکی آنها که با وجود زندگی در جامعه عربی مصر، از دانش عربی نازلی برخوردار بودند، موجب شده بود که همواره در مواقع بحران‌های اجتماعی و اقتصادی به نیروهای

بالقوه‌ای برای ناامنی تبدیل شوند. شورش‌های عمومی در قاهره به غارت و کمبود مواد غذایی می‌انجامید و به طور طبیعی بردگان نیز وارد کارزار می‌شدند، چنان‌که فتنه اسکندریه در سال ۷۲۶ق/۱۳۲۵م در اثر اختلافات تجار فرنگی و مسلمانان مصر در گرفت و خون‌کثیری ریخته شد. تجار فرنگی اسیران مسلمانی را که به آنها به عنوان برده فروخته شده بودند، به همراه داشتند (مقریزی، ۸۹/۲-۲۸۴).

۲- تأثیر بر جوامع اروپایی حوزه مدیترانه: یکی از پیامدهای تجارت برده بر جوامع اروپایی شکل‌گیری نوعی بردگی جنسی و به عبارت دیگر پیدایش نمونه پیشامدرن تجارت جنسی در غرب بود. این مسأله موجب شد تا نه تنها دولت‌هایی نظیر ونیز و جنوا، بلکه هم تاجران مستقل و هم افرادی که لزوماً تاجر نبودند، وارد فعالیت تجاری فروش زنان و دختران به تاجران اروپایی برای بازارهای مدیترانه و استخدام در خانه‌های ثروتمندان شوند. مورخان با توجه به گزارش‌ها و آرشيوهای قرون وسطا هدف اصلی تجارت برده در جوامع اروپایی را استخدام در خانه‌ها و بردگی جنسی گزارش کرده‌اند (Di Cosmo, 398). ونیزی‌ها بردگان خریداری شده از اقوام اسلاوی، گرجی و چرکسی را در بنادر کریمه تقسیم‌بندی کرده و زنان را به مسیحیان اروپای غربی می‌فروختند (Roscoe Thayer, 227). آنها همچنین بردگان زن را به جامعه خود وارد می‌کردند. گزارش دفاتر ونیزی و جنوایی نشان می‌دهد که بردگان وارد شده به ونیز را عمدتاً دختران و زنان بین ۱۴ و ۳۰ ساله تشکیل می‌دادند. به همین دلیل تاجران در گزینش بردگان به ظاهر آنها توجه می‌کردند، چنان‌که گاهی اوقات در دفاتر ثبت تجاری ایتالیایی‌ها در بنادر کریمه مشخصات ظاهری بردگان به طور کامل ثبت می‌شد. به این منظور اولویت طبقه‌بندی بر اساس رنگ پوست بردگان بود (Korpela, 96-98).

حجم زیاد ورود بردگان زن به بازارهای اروپا و از جمله ایتالیا، پیامدهای اجتماعی گسترده‌ای برای جامعه اروپایی به ویژه در عصر جنگ‌های صلیبی داشت. جذابیت بسیاری از این بردگان که غیر مسیحی و از نظر صلیبی‌ها کافر بودند، به طور طبیعی در تضاد با شور مذهبی و فرامین مکرر پاپ‌ها مبنی بر عدم ارتباط با دشمنان دینی بود. از سوی دیگر برای صلیبی‌هایی که بسیاری از این بردگان در خانه‌ها و مزارع آنها به کار مشغول بودند، تغییر دین بردگان و مسیحی شدن آنها مشکل پیچیده‌تری ایجاد می‌کرد و آن منع پاپ‌ها از نگهداشتن برده مسیحی توسط مسیحیان بود. بنابراین پیامدهای اقتصادی مسیحی شدن بردگان بسیار

زیانبار و از نظر جوامع مسیحی درگیر در جنگ‌های صلیبی غیر قابل پذیرش بود (Jaspert, 96). اختلافات مربوط به چگونگی آزادی بردگان مسیحی شده موجب شد در سال ۱۲۳۷م/۶۳۵ق پاپ گرگوری نهم فرمانی صادر کند که بر اساس آن به بردگان اجازه می‌داد غسل تعمید به جا آورند، اما سنتی را که به آنها آزادی می‌داد، لغو نماید (Kedar, 1/294). اسناد محلی و ملی جنوایی نیز نشان‌دهنده پیامدهای حضور بردگان غیر مسیحی به ویژه مسلمانان در قلمرو آنهاست. بر اساس این اسناد تعدادی از بردگان، مسیحی شده بودند، اما مشخص نیست که نحوه این تغییر دین چگونه بوده است (Remie Constable, 327).

این حضور پر شمار بردگان به تغییر ساختار جمعیتی به ویژه جمعیت شهری در شهرهای مهم نظیر ونیز، فلورانس، جنوا، ناپل و پالمو انجامید، چنان که بر اساس منابع و مدارک ایتالیایی در این دوره بردگان ۴ تا ۱۰ درصد جمعیت شهری شهرهای مذکور را تشکیل می‌دادند (Korpela, 88). از جمله شواهدی که محققان برای درک میزان حضور بردگان در اروپا طی جنگ‌های صلیبی از آن بهره برده‌اند، پراکنش و گسترش نام‌هایی است که نشان‌دهنده موطن یا قوم و نژاد آنهاست. چنان که در مناطق پیرامون مدیترانه و از دریای سیاه تا مناطق داخلی اروپا نام کومان^۸ تا به امروز به اشکال مختلف به عنوان لقب، نام کوچک یا نام خانوادگی به طور گسترده‌ای در میان افراد باقی مانده است (Spinei, 336-338).

۳- تأثیر تجارت برده بر تشدید اختلافات مذهبی در جهان مسیحیت: دو کلیسای قسطنطنیه و کاتولیک رم طی جنگ‌های صلیبی دچار شکاف و اختلاف شدند و حتی در جنگ چهارم صلیبی قسطنطنیه مورد هجوم و غارت لاتینی‌ها قرار گرفت. با این حال یکی دیگر از دلایل اختلافات جهان ارتدوکسی با جهان لاتینی، به بردگی کشیدن ارتدوکس‌ها از سوی تاجران لاتینی بود که شکاف عظیمی در روابط بین بیزانسی‌ها و اروپای غربی ایجاد نمود (Zachariadou, 218). ونیزی‌ها و جنوایی‌ها در این زمینه نقش فعالی داشتند. دستگاه پاپ خواهان لغو روابط تجاری با مسلمانان بود. در سال ۱۱۹۸م/۵۹۵ق پاپ اینوسان سوم طی فرمانی ونیزی‌ها را از تجارت با مسلمانان منع کرده بود. در این فرمان با اشاره به اینکه ونیزی‌ها به دلیل عدم امکان کشاورزی، ناچار به فعالیت تجاری هستند، مبادلات کالاها را- به استثنای کالاها ممنوعه- با مسلمانان نادیده گرفته بود (Thatcher and Mc Neal, 535-536). نیروهای

دریایی و تاجران دولت- شهرهای ایتالیایی نیز تجارت برده را به مناطق دیگر از جمله جوامع ارتدوکسی گسترش دادند تا بتوانند جبران تحریم‌های پاپ نمایند. البته استدلال ونیزی‌ها و جنوایی‌ها که به طور دائم کلیسا را مورد خطاب قرار می‌دادند، این بود که تحریم‌ها در مقابل مصر بیش از آن که به مسلمانان صدمه‌ای وارد کند، صلیبی‌ها و جهان مسیحیت لاتین را تضعیف کرده است (Epstein, 115).

تحریم تجارت با مسلمانان از سوی دستگاه پاپ و منع تجارت هم‌کیشان موجب کشمکش‌های مذهبی و تلاش برای یافتن راه‌های برون رفت از این بحران از دست دادن سودآورترین تجارت دوره جنگ‌های صلیبی شده بود. یکی از این تدبیرها به کارگیری گسترده تاجران یهودی بود. بنابراین یهودیان که خود در فعالیت‌های اقتصادی و بازرگانی نقش مهمی داشتند، به یکی از فعال‌ترین اقوام در تجارت برده در لوانت تبدیل شدند. آنها بازارهای کریمه را به دست گرفته و بردگان را به اروپا و حوزه مدیترانه انتقال می‌دادند. البته بعدها دستگاه پاپ تحت فشار شرایط اجتماعی و اقتصادی اروپا و تدبیر دولت- شهرهای ایتالیایی فرمانی صادر کرد که اجازه تجارت بردگان مسیحی «بدعتگزار» را به تاجران مسیحی می‌داد. پروتافور^۹ نویسنده و سیاح اسپانیایی که در قرن پانزدهم میلادی به مناطق مختلف لوانت تا طرابوزان و قسطنطنیه سفر کرده بود، گزارش ارزشمندی از تجارت بردگان مسیحی که در آن زمان همچنان رواج زیادی داشت، ارائه می‌دهد. او در سفر به کریمه از بازار برده فروشی کافا دیدن کرده است که نکته قابل تأمل آن، گزارش وی در مورد تجارت بردگان مسیحی است. او می‌نویسد مسیحیان فرمانی از پاپ در اختیار دارند که به آنها دستور داده که بردگان مسیحی از اقوام روس، چرکس، ارمنی، قفقازی، بلغاری و ... را خریداری و نگهداری کنند تا به دست مسلمانان نیفتند (Tafur, 131). این شیوه عمل در واقع دست تاجران دولت- شهرهای ایتالیایی و یهودیان را برای داد و ستد بردگان مسیحی بازتر می‌نمود.

بدین ترتیب اختلافات و مشاجرات مذهبی در ارتباط با تجارت برده بین دستگاه کلیسا و تاجران ایتالیایی بر دو محور استوار بود: نخست ممنوعیت تجارت برده و انتقال آنها به مسلمانان- به ویژه ممالیک- که موجب تقویت دشمنان مسیحیت در جنگ‌های صلیبی می‌شد. دوم تحریم خرید و فروش بردگان مسیحی. ایتالیایی‌ها هر دو تحریم را از اعتبار ساقط کردند.

منابع و گزارش‌های آن زمان از بزرگ‌ترین تاجر برده یعنی اشراف‌زاده جنوایی به نام سگورانو سالوایگو^{۱۰} یاد می‌کنند که برخلاف جهت‌گیری‌های مذهبی و سیاسی دستگاه کلیسا به انتقال هزاران برده به مصر اقدام می‌نمود. در یک گزارش از فروش ۱۰۰۰۰ برده توسط او و خانواده‌اش به ممالیک خبر داده شده است؛ تا آنجا که اعراب مسلمان جنوایی‌ها را «دزد بچه‌ها»ی اراضی قبچاق می‌خواندند (Giociltan, 166, 176). اطلاعات مورخان از نقش مهم او در تجارت برده با ممالیک، علیرغم ممنوعیت آن توسط کلیسا، به واسطه گزارش ارزشمند گیوم آدام^{۱۱}، اسقف سلطانیه، در دوره ارغون است. گیوم آدام یک دومینیکن با سواد بود که پس از دیدن مصر و بخش‌هایی از لوانت درباره روابط مسیحیان و مسلمانان در این منطقه می‌اندیشید. هدف اصلی او پیشبرد یک جنگ صلیبی برای شکست یا حتی نابودی مسلمانان بود. گزارش او به پاپ از منظر موقعیتش به عنوان اسقف سلطانیه دارای اهمیت است. گیوم به منظور بی‌اعتبار کردن مسلمانان، در گزارش خود به پاپ انتقال بردگان جوان را به مصر صرفاً برای مقاصد شهوانی می‌داند. با این حال بیشترین خشم گیوم آدام متوجه تاجران جنوایی به ویژه سگورانو سالوایگو است. گیوم او را طرفدار و مدافع مسلمانان می‌خواند. وی که در اسکندریه کشتی‌های متعلق به سگورانو با پرچم سلطان مملوک را دیده بود، او را تاجر گناهکاری می‌خواند که «کالاهای ممنوعه» را برای دشمنان جهان مسیحیت ارسال می‌کند. گیوم به پاپ پیشنهاد داد که مسیحیان با همکاری ایران به طور مستقل کشتی‌هایشان را به اقیانوس هند بفرستند و تجارت مغولان روسیه و ممالیک و تاجران گناهکار مسیحی را از رونق ببندازند. او با آگاهی از این که دولت ایلخانان دولتی مسلمان است، شکستن انحصار مصریان در تجارت شرق را انگیزه اقتصادی قابل توجهی برای پذیرش پیشنهاد خود از سوی ایران می‌دانست. به هر حال اسقف گیوم آدام که در قلمرو ایلخانان مسلمان در ایران زندگی می‌کرد، اطلاعات ارزشمندی از مسائل سیاسی و تجاری داشت و به شیوه یک جاسوس اطلاعاتی، زیرکانه همه مطالبی را که برای شکست دشمنان مسیحیت لازم بود، گردآوری می‌کرد (Epstein, 162-165).

اختلافات مذهبی بر سر تجارت برده تا دهه‌های پس از پایان جنگ‌های صلیبی نیز ادامه یافت و تاجران ایتالیایی برده نیز همچنان به فعالیت پر سود خود ادامه دادند. از سوی دیگر

10. Segorano Salvaigo

11. Guillaume Adam

جنگ‌های صلیبی نیز بر روند تجارت برده تأثیر نهادند. از آنجا که پس از نخستین جنگ صلیبی، سایر این جنگ‌ها یا وابسته به دریا و یا به طور کامل از طریق راه‌های آبی بود، حمل و نقل دریایی و وابستگی به ناوگان‌های تجاری دولت-شهرهای ایتالیایی افزایش یافت و به طور مستقیم بر روند تجارت برده و آزادی عمل تاجران نیز مؤثر واقع شد (Burton Adams, 277). همچنین نبردهای مهم و تصرف شهرها طی جنگ‌های صلیبی در کاهش یا افزایش داد و ستد برده-هرچند به طور موقت- تأثیرگذار بود. پس از نبرد «حطین» بازارهای برده فروشی در مناطقی از لوانت شاهد کاهش قیمت بردگان بود، زیرا سیل اسیران جنگی که به بازار سرازیر شد، تاجران را مجبور به فروش بردگان خود به هر قیمتی نمود (Cobb, 188).

فتح قسطنطنیه توسط صلیبی‌ها نیز بر روند تجارت برده تأثیرگذار بود. تصمیم صلیبی‌ها به تغییر مسیر خود و هجوم به سمت بیزانس در ۱۲۰۴م تحت فشارهای مالی و اقتصادی و فقر شدید بود. در پی تصرف قسطنطنیه بسیاری از اسیران به تاجران برده فروخته شده و در بازارهای لوانت معامله شدند که این موضوع به کاهش قیمت برده در لوانت انجامید. ضمن این که بسیاری از خانواده‌های مسیحی نیز به واسطه پرداخت فدیة آنها به تنگدستی افتادند. همچنین پس از سقوط انطاکیه در ۱۲۶۸م/۶۶۷ق و ورود هزاران برده مسیحی در بازارهای لوانت این روند تکرار گردید (Proctor, 426).

نتیجه

در قرن دوازدهم میلادی/ ششم هجری جنگ‌های صلیبی نقش تعیین کننده‌ای در گسترش روابط شرق و غرب با محوریت حوزه مدیترانه و لوانت ایفا کرد. صلیبی‌ها در لوانت مستقر شدند و سیل مهاجرت، تهاجم و اسکان مسیحی‌ها به منطقه سرازیر شد. عملیات جنگی و قراردادهای صلح به توسعه مناسبات مسلمانان و مسیحیان انجامید و تجارت و بازرگانی که از ملزومات این مناسبات است، رونق بیشتری گرفت.

در ابتدای قرن سیزدهم میلادی/ هفتم هجری هجوم ویرانگر مغولان به آسیای مرکزی، روسیه و ایران و حاکمیت آنها بر دشت‌های وسیع روسیه تا سواحل شمالی دریای سیاه، ضمن تغییر معادلات سیاسی و بازرگانی منطقه، روند انتقال بردگان را به لوانت و مناطق حوزه مدیترانه و اروپا افزایش قابل توجهی داد. اتحاد سیاسی خاندان جوچی در روسیه با دولت

ممالیک در مصر موجب شد تا مسیرهای انتقال بردگان از دشت قیچاق و دریای سیاه تا مدیترانه محل تلاقی اتحادیه‌ها و دشمنی‌های سیاسی و مذهبی گردیده و بر روند جنگ‌های صلیبی و دولت‌های درگیر آن تأثیرات زیادی بگذارد.

دولت- شهرهای تاجرپیشه ایتالیایی به عنوان تاجران عمده برده با اتخاذ سیاست مبتنی بر منافع مالی و اقتصادی خود، با همه طرف‌های درگیر در جنگ‌های صلیبی مناسبات سیاسی و اقتصادی برقرار کرده و نقش اساسی در انتقال هزاران برده از قلمرو اردوی زرین به مصر، ایتالیا و سایر مناطق اروپا داشتند.

ورود هزاران برده به لوانت و مدیترانه بر ساختار سیاسی و اجتماعی آن مناطق تأثیرات قابل توجهی نهاد و به منازعات مذهبی در جهان مسیحیت نیز دامن زد. این اختلافات ناشی از مخالفت دستگاه کلیسا با دخالت تاجران مسیحی در انتقال برده به لوانت و تقویت دولت ممالیک مصر از یک سو و به بردگی فروختن مسیحیان توسط این تاجران از سوی دیگر بود. دولت ممالیک به جهت ساختار سیاسی، نظامی خود همواره نیازمند ورود بردگان از قلمرو اردوی زرین بود و در همین رابطه مهم‌ترین اصل سیاست خارجی خود را حفظ اتحاد با آن دولت قرار داده بود. دشمنی و جنگ‌های هر دو دولت با ایلخانان نیز به این اتحاد دامن زده و تمایل جهان مسیحیت و دولت- شهرهای ایتالیایی را به ورود در اتحادیه‌ها و منازعات منطقه‌ای و بهره‌برداری سیاسی، مذهبی و اقتصادی موجب گردید.

کتابشناسی

- ابن بطوطه، شمس‌الدین محمد بن عبدالله، *رحله ابن بطوطه*، مصر، مکتبه التجاریه الکبری، ۱۳۷۷ق/۱۹۵۸م.
- ابن تغری بردی، جمال‌الدین یوسف، *النجوم الزاهره فی ملوک مصر و القاهره*، الجزء السابع، قاهره، وزاره الثقافه و الارشاد القومي، المؤسسة المصریه العامه، بی تا.
- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، *العبر تاریخ ابن خلدون*، ترجمه عبدالمحمد آیتی، جلد چهارم، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۳.
- ابن اثیر، عزالدین ابی‌الحسن، *الکامل فی التاریخ*، المجلد الثانی عشر، بیروت، دار صادر، ۱۳۸۶ق/۱۹۶۶م.
- ابن العبری، غریغوریوس ابی‌الفرج بن اهرن المعروف به ابن العبری، *تاریخ مختصر اللؤلؤ*، الطبعة الثانیه، دارالرائد البنانی، الحازمیه، لبنان، ۱۴۱۵ق/۱۹۹۴م.
- ابن الفرات، لناصرالدین محمد بن عبدالرحیم، *تاریخ ابن الفرات*، الدكتور قسطنطین زریق، المجلد

- السابع، المطبعة الاميركائيه، بيروت، ۱۹۳۶م.
- ابوالفداء، الحافظ بن كثيرالدمشقي، *البدایه و النهایه*، المجلدالتاسع، اعتنى به: عبدالحميد هنداوى، المكتبه العصریه، صيدا، بيروت، ۱۴۲۶ق/۲۰۰۵م.
- رانسيما، استيون، *تاريخ جنگ های صليبي*، ترجمه منوچهر كاشف، چاپ ششم، تهران: انتشارات علمي و فرهنگي، ۱۳۸۶.
- قلقشندی، احمدبن على، احمدبن على، *صبح الاعشى فى صناعة الانشاء*، القايره، ۱۹۱۹-۱۹۱۳م.
- گروسه، رنه، *تاريخ جنگ های صليبي*، ترجمه ولى الله شادان، چاپ چهارم، نشر فرزانه روز، ۱۳۸۹.
- مقریزی، احمدبن على، *كتاب المواعظ والاعتبار بذكر الخطط والآثار*، لبنان، بيروت، دارالکتب العلميه، ۱۴۱۸ق.
- كتاب السلوك لمعرفة دول الملوك، صححه و وضع حاشيه محمد مصطفى زياده، الجزء الثانى، القسم الاول، قايره، طبعه ثانيه منقحه، مطبعة لجنة التأليف و الترجمة و النشر، ۱۹۵۷م.
- نويرى، شهاب الدين احمدبن عبدالوهاب، *نهايه الارب فى فنون الادب*، الجزء ۲۹، القايره، دارالکتب المصریه، ۱۹۸۴م.
- وصاف الحضرة، فضل الله بن عبدالله شيرازى، *تجزیه الامصار و تزجیه الاعصار (تاريخ و صاف الحضرة در احوال سلاطين مغول)*، به اهتمام محمد مهدى اصفهانى، جلد اول، بمبئي، ۱۲۶۹ق.
- همدانى، رشيدالدين فضل الله، *تاريخ مبارک غازانى*، تصحيح كارل يان، چاپ اول، نشر پرسش، آبادان، ۱۳۸۸.
- Amitai, Reuven, "Mamluk Sultanate", in : *The Crusades An Encyclopedia*, Edited by Alan V. Murray, Vol III, ABC-Clio, Inc, Santa Barbara, California, 2006, pp 787-793.
- Brunschvig, R, " ABD", in : *The Encyclopaedia of Islam*, Edited by C.E. Bosworth, E. Van Donzel, B. Lewis and Ch, Pellat, Vol I (A-B), Leiden. E. J. Brill, 1991, pp 24-40.
- Burton Adams, George, *Civilization During the Middle Ages Especially in Relation to Modern Civilization*, Charles Scribner's Sons, New York-Chicago-Boston, 1922.
- Ciociltan, Virgil, *The Mongols and the Black Sea Trade in the Thirteenth and Fourteenth Centuries*, Translated by Samuel Willcocks, Brill, Leiden. Boston, 2012.
- Cobb, Paul, M, *The Race for Paradise An Islamic History of the Crusaders*, Oxford

University Press, 2014.

Curta, Florin, *East Central and Eastern Europe in the Middle Ages 450-1450*, Brill, Leiden. Boston, 2008.

Di Cosmo, Nicola, “Mongols and Merchants on the Black Sea Frontier in the Thirteenth and Fourteenth Centuries: Convergences and Conflicts”, in: *Mongols, Turks and Others, Eurasian Nomads and the Sedentary World*, 2005, pp 391-424.

Epstein, Steven A, *Purity Lost Transgressing Boundaries in the Eastern Mediterranean 1000-1400*, The Johns Hopkins University Press, Baltimore, 2007.

Holt, P.M, “Mamluks”, in: *The Encyclopedia of Islam*, Edited by C. E. Bosworth, E. Van Donzel, B. Lewis and ch. Pallet, Vol VI (Mahk-Mid), Leiden: E.J. Brill, 1991, pp 321-331.

Holt, P.M, *Early Mamluk Diplomacy (1260-1290) Treaties of Babars and Qalawun with Christian Rulers*, E.J. Brill, Leiden. New York. Koln, 1995.

Ibn Munqidh, Usama, *The Book of Contemplation*, Translated with an Introduction and Notes by Paul M. Cobb, Penguin Book, 2008.

Irwin Robert, “Islam and the Crusade 1096-1699” in: *The Oxford History of the Crusades*, Edited by Jonathan Riley-Smith, Oxford University Press, 1999, pp 211-257.

Jacoby, David, “Economy of the Levant”, in: *The Crusades An Encyclopedia*, Edited by Alan V. Murray, Vol II, ABC-Clio, Inc, Santa Barbara, California, 2006, pp 374-378.

Jaspert, Nikolas, *The Crusades*, Translated by Phyllis G. Jestice, Routledge, New York and London, 2006.

Kedar, Benjamin, Z, “Conversion: Outermer”, in: *The Crusades An Encyclopedia*, Edited by Alan V. Murray, Vol II, ABC-Clio, Inc, Santa Barbara, California, 2006, pp 294-295.

Khalileh, Hassan, “Trade, Mediterranean”, in: *Medieval Islamic Civilization An Encyclopedia*, Edited by Josef w. Meri, Routledge, New York, London, 2006-A, pp

818-820.

Khalileh, Hassan, *Admiralty and Maritime Laws in the Mediterranean Sea (ca. 800-1050)*, Brill, Leiden. Boston, 2006-B.

Korpela, Jukka, “ The Baltic Finnic People in the Medieval and Pre-Modern Eastern European Slave Trade”, in: *Russia History*, 2014, No 41, pp 85-117.

Lapidus. Iram, *Muslim Cities in the Later Middle Ages*, Cambridge University Press, 2008.

Mansel, Philip, *Levant Splendour and Catastrophe on the Mediterranean*, Yale University Press, New Haven & London, 2011.

Miller, William, *Essays on the Latin Orient*, Zeno Bookseller & Publishers, 1964.

Pahlitzsch, Johannes, “ Baybars I”, in: *The Crusades An Encyclopedia*, Edited by Alan V. Murray, Vol II, ABC-Clio, Inc, Santa Barbara, California, 2006, pp 156-157.

Philips, Jonathan, “ The Latin East, 1098-1291”, in: *The Oxford History of the Crusades*, Edited by Jonathan Riley- Smith, Oxford University Press, 1999, pp 111-137.

Prawdin, Michael, *The Mongol Empire its Rise and Legacy*, Translated by Eden and Cedar Paul, London, George Allen and Unwin Ltd, 1967.

Proctor, Major George, *History of the Crusades Comprising the Rise, Progress and Results*, Philadelphia: John E. Potter & Company 617 Sansom Street, 1885.

Rachewiltz, Igorde, *The secret History of the Mongols A Mongolian Epic chronicle of the Thirteenth Century*, Volume 1, Brill, Leiden. Boston, 2006.

Remie Constable, Olivia, “ Muslims in Medieval Europe”, in: *A Companion to the Medieval World*, Edited by Carol Lansing and Edward D. English, Wiley-Blackwell, United Kingdom, 2009, pp 313-332.

Rosco Thayer, William, *A Short History of Venice*, Houghton, Mifflin and Company, Boston and New York, 1908.

Rubruck, William, *The Journey of William of Rubruck to the Eastern Parts of the*

World, 1253-55, Translated from the latin and Edited with an Introduction by William Woodville Rockhill, Printed for the Hakluyt Society, London, 1900.

Spinei, Victor, *The Romanians and the Turkic Nomads North of the Danube Delta from the Tenth to the Mid-Thirteenth Century*, Brill, Leiden. Boston, 2009.

Stiles, Paula R, “ Slaves and Slave Trade, Eastern Islamic World”, in: *Medieval Islamic Civilization An Encyclopedia*, Edited by Josef W. meri, Routledge, New York, London, 2006, pp 757-758.

Tafur, Pero, *Travels and Adventures 1435-1439*, Translated and Edited with an Introductin by Malcolm Letters, George Routledge & sons, Ltd, London, 1926.

Thatcher, Oliver J; Mc Neal, Edgar Holmes, *A Source Book for Medieval History Selected Documents Illustrating the History of Europe in the Middle Age*, Charles Scribner’s Sons, New York-Chicago-Boston, 1905.

Zachariadou, Elizabeth, “ Holy War in the Aegean During The Fourteenth Century” in: *Latins and Greeks in the Eastern Mediterranean after 1204*, Edited by Benjamin Arbel, Bernard Hamilton, David Jacoby, Routledge, London and New York, 2007, pp 212-225.